

رئیس پارلمان نروژ و هادریان قمی، نماینده ایرانی تبار پارلمان فرانسه تا جایی پیش رفته بود که حتی جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا را نیز تحت فشار قرار داده و به حمایت از جمهوری اسلامی ایران متهم می‌کردند چرا که بورل گفته بود: «بدون رأی یک دادگاه نمی‌توان چنین تصمیمی گرفت و اول باید یک دادگاه چنین تصمیمی بگیرد. نمی‌توانیم چون از یک نفر خوش‌مان نمی‌آید، او را تروریست بنامیم.»

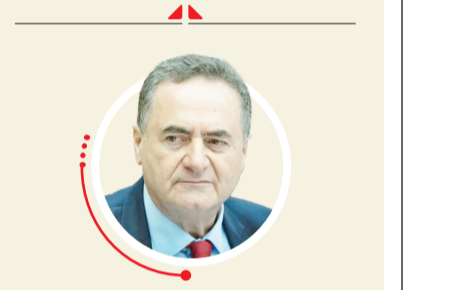
این ایرانی‌تباران قانونگذار در طول دومام گذشته به مقامات کشورهای متبوع خود نیز در پی ارسال پیام در خصوص سقوط بالگرد رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه ایران، ناخشنده. با این حال در ماه‌های اخیر شاهد سیر نزولی این فعالیت‌ها بودیم و تجربه تاریخی نیز اثبات کرده که در صورت حضور دولتی معتدل در تهران که خواهان تعامل با غرب باشد، دیگر حنای این دیسپلواوری ضد ایرانی در قاره سبز، رنگی نداشته و تاریخ مصرف‌شان به پایان می‌رسد.



دیپلمات‌ها

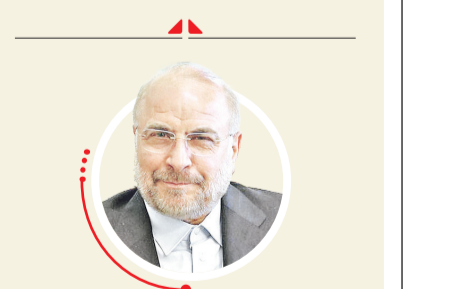
توافق پاشینیان و پزشکیان

نخست‌وزیر ارمنستان در گفت‌وگوی تلفنی با رئیس‌جمهور منتخب ایران برای آرزوی موفقیت و کامیابی کرد. نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری منتخب ایران به صورت تلفنی گفت‌وگو کرد. پاشینیان در اظهارات خود با تبریک پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران برای وی آرزوی موفقیت کرد. بنابر اعلام سخنگوی دفتر نخست‌وزیری ارمنستان، طرفین بر تعهد خود به توافقاتی که قبلاً در سطح بین‌دولتی حاصل شده بود، تأکید کردند. در طرف همچنین توافق کردند در فرصتی در آینده با یکدیگر دیدار کنند. نخست‌وزیر ارمنستان پیش از این در پیامی به مسعود پزشکیان انتخاب او را به‌عنوان نهمین رئیس‌جمهور ایران تبریک گفت و با ابراز اطمینان از اینکه دولت‌های دو کشور توافقات ارمنستان و ایران و تعدادی از برنامه‌های جدید را اجرا خواهند کرد، اظهار داشت: تعمیق مستمر روابط گرم بین تهران و ایروان در چارچوب همکاری‌های دوجانبه و ثبات و شگوفایی منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



تهدید مشترک اسرائیل و ناتو

وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در حاشیه نشست ناتو طی دیدارهای متعدد با رهبران بین‌المللی ضمن ادعای اینکه ایران تهدید مشترک ناتو و اسرائیل است، خواستار اعمال فشار بیشتر بر ایران شد. به گزارش ایسنا، یسرائیل کانس، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در دیدار با رهبران بین‌المللی در آغاز نشست ناتو در واشنگتن، در راستای رویکرد ضد ایرانی این رژیم، خواستار اقدام علیه ایران شد. کانس در حاشیه نشست ناتو در واشنگتن با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا دیدار کرد. او همچنین، شامگاه سه‌شنبه با لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، آناندا باتربوک، وزیر امور خارجه آلمان، ملانی جول، وزیر امور خارجه کانادا و یان لیپوفسکی، وزیر امور خارجه جمهوری چک دیدار کرد. طبق اعلام دفتر او، کانس در این دیدارها بر ضرورت آنچه «تهدید مشترک ایران» عنوان شده، تأکید کرد. او پیش از سفر به واشنگتن گفته بود که قرار است توجه‌ها در این نشست را به موضوع ایران معطوف کند. کانس با تکرار ادعای اوکراین و متحدان غربی آن مبنی بر عرضه پیادهای جنگی توسط ایران به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین، ادعایی که از سوی ایران و روسیه رد شده است، مدعی شد: «ششمین ماشمن شمایز هست. موشک‌ها و پهپادهای ایرانی که ما را تهدید می‌کنند، در حال ارسال به روسیه هستند و شما را نیز تهدید می‌کنند. باید تحریم‌های فلج‌کننده‌ای را علیه ایران اعمال کرد و سپاه پاسداران را سازمانی تروریستی نامید.»



شرکت در مجمع پارلمانی بریکس

محمدباقر قالیباف در گذشته به منظور شرکت در نشست رؤسای مجالس بریکس، تهران را به مقصد سن پترزبورگ روسیه ترک کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی در این سفر علاوه بر شرکت در مجمع عمومی پارلمانی بریکس، دیدارهای دوجانبه‌ای نیز با رؤسای مجالس حاضر در این مجمع خواهد داشت. وی پیش از این سفر گفت: «در بریکس بیش از ۲۵۰ نشست کارشناسی در حوزه‌های مالی، پولسی، اقتصادی و مسائل فرهنگی، اجتماعی برقرار می‌شود و این فرصت بسیار خوبی برای جمهوری اسلامی ایران است که روابط خود را با کشورهای بریکس توسعه دهد.»

سطح رئیس‌جمهور و هم‌وزیر خارجه بوده و همچنان به این تلاش‌ها تا توقف جنگ در اوکراین ادامه خواهیم داد.»

ایالات متحده و متحدان اروپایی آن مدعی هستند که ایران با نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تأمین تسلیحات برای روسیه نقش داشته است و به همین علت نیز تاکنون در چندین بسته تحریمی مقامات و نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی، از سوی این کشورها تحریم شده‌اند.

حقوق بشر و زندانیان اروپایی در ایران

در این فاصله زمانی، وقوع ناآرامی‌های مرتبط با حرکت اجتماعی شهریور ۱۴۰۱ و تحولات پس از آن که غرب آن را «سركوب» معترضان می‌نامید و همچنین آغاز موج جدید دستگیری اتباع اروپایی و آمریکایی و همچنین دوتابعیتی‌ها نیز بار دیگر بهانه‌های حقوق بشری مرسوم را به دست مدعیان آن داد تا پازل ایران‌هراسی را که ولودیمیر زلنسکی آغاز کرده بود، تکمیل کند. رئیس‌جمهور اوکراین از آغاز جنگ و همچنین زمه‌های همراهی ایران با روسیه، پروژه‌ای را آغاز کرده بود که در نهایت با کمک آمریکا و اروپا و همچنین تحولات داخلی ایران، شرایط را به نقطه‌ای که امروز در آن قرار داریم، کشاند.

آمریکا در جریان مذاکرات غیرمستقیم در عمان و در پی تفاهم شفاهی در شهریورماه ۱۴۰۲ توانست ۵ زندانی خود از جمله سیامک نمازی، مراد طاهباز و عماد شرقی را آزاد کند. سیامک نمازی از سال ۲۰۱۵ و هم‌زمان با امضای برجام بازداشت شده بود و از زمان آغاز مذاکرات برای احیای برجام، بارها نامش در صدر اخبار قرار گرفته بود.

در جریان تبادل زندانیان میان ایران و سوئد در ماه گذشته نیز، حمید نوری که در استکهلم به حبس ابد محکوم شده بود هم‌زمان با یوهان فلودروس دیپلمات ۳۳ ساله سوئدی آزاد شد. در خردادماه ۱۴۰۲ نیز ولیویه ونده کاستیل، امدادگر بلژیکی و اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی در چارچوب طرح تبادل زندانیان بین دو کشور آزاد شدند. پیش‌تر نیز در آخرین روزهای اسفند ۱۴۰۰ با آزادی نازنین زاغری-رتکلیف و انوشه آشوری، دو شهروند ایرانی-بریتانیایی زندانی در ایران موافقت شد و این دو، روز ۲۵ اسفند تهران را به مقصد بریتانیا ترک کردند.

با این حال همچنان زندانی‌هایی با تابعیت اروپایی در زندان‌های ایران حضور داشته و در انتظار کاهش تنش میان کشورهای متبوع خود و جمهوری اسلامی ایران و امید آزادی هستند. ناهید تقوی، معمار ساکن آلمان و شهروند این کشور سال ۱۳۹۹ با زداشت و به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به ۱۰ سال و هشت ماه زندان محکوم شده است. احمدرضا جلالی، زندانی دوتابعیتی سوئدی-ایرانی در سال ۱۳۹۵ دستگیر و به اعدام محکوم شده است. آروید گرنه، ۶۶ ساله دیگر زندانی با تابعیت آلمانی در ایران است که به «عکس برداری از مناطق ممنوعه» متهم شده است. لویی آرنو، سسیل کوهرل و ژاک پاریس نیز سه شهروند فرانسوی زندانی در ایران هستند.

ایرانی‌تباران اروپایی

به تحولات و مؤلفه‌های ذکرشده در ایجاد تنش در روابط ایران و اروپا یک مؤلفه جدید نیز در دو سال گذشته اضافه شده است و آن نمایندگان ایرانی تبار پارلمان‌های اروپایی بودند که با شدت، موضوع تحریم علیه تهران و همچنین گنجاندن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی را دنبال کردند. شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ زمانی شبیه به حالا، اتباع ایرانی خارج از کشور با این شدت و حدت به کمپین‌های اعمال فشار و تحریم بر ایران و حتی حمله به ایران، نپیوسته بودند. فعال شدن بی‌سابقه اپوزیسیون در خارج از کشور و برگزاری دو تجمع بزرگ و البته حمایت از فشارهای اتحادیه اروپا به ایران و ایجاد کمپین‌هایی همچون درخواست از وزرای خارجه اروپایی برای فراخواندن سفرایشان از ایران و اخراج سفرای ایران از جمله مواردی است که اعتراضات سال ۱۴۰۱ را از مورد‌های مشابه پیش از خودش متمایز می‌کند. اتحاد شکل گرفته میان افرادی همچون علیرضا آخوندی، نماینده پارلمان سوئد و دریا صفایی، نماینده پارلمان بلژیک که بیشترین فعالیت را علیه ایران سازماندهی کرده بودند و همچنین اردلان شکرانی، آیلین فاضلیان، لالین ریدار، آرین کراپت، دیگر نمایندگان پارلمان سوئد و مسعود قره‌خانی،

گفت که هدفش از درخواست برای سفر انریکه مورا به تهران در این مقطع زمانی یافتن «راهی میان» برای شکستن بن‌بست بر سر مهمترین مانع باقی مانده است. این سفر از سوی ایالات‌متحده با استقبال مواجه شد و نند پرایس، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در یک کنفرانس خبری در پاسخ به این سوال که با توجه به سفر انریکه مورا به تهران، آیا او حامل پیام یا پیشنهاد جدیدی از سوی آمریکا به ایران خواهد بود و انتظار آمریکا از ایران در زمینه این دیدار چیست؟ گفت: ما با انریکه مورا از نزدیک در تماسیم. او پیام‌ها را منتقل می‌کرده است. ما از تلاش‌های او برای رساندن این مذاکرات به نتیجه‌ای موفقیت‌آمیز حمایت می‌کنیم. نمی‌خواهم درباره آنچه او از همکاران ایرانی خواهد شنید، پیش‌داوری کنم یا چیزی را از حالا تشخیص بدهم. مسلماً پس از سفر او چیزهای بیشتری خواهیم دانست. پس از این سفر، جوزپ بورل در محل اجلاس گروه ۷ در آلمان اعلام کرد «مذاکرات هسته‌ای با ایران تعلیق شده بود اما از سرگرفته می‌شود». وی همچنین خاطرنشان کرد که «چشم‌انداز دستیابی به توافق نهایی وجود دارد.»

با این حال درست در زمانی که هماهنگ‌کننده برجام در توثیتی نوشت: «بهترین توافق ممکن برای همه طرف‌ها روی میز است. این امر منافع اقتصادی روشن و قابل اندازه‌گیری برای مردم ایران و منافع قابل تأیید عدم اشاعه را برای جامعه بین‌المللی تضمین می‌کند. از همه طرف‌ها دعوت می‌کنم آخرین گام را بردارند» و رسانه‌ها نیز با توجه به سیگنال‌هایی که از وین دریافت کرده بودند، حضور وزرای خارجه عضو توافق هسته‌ای از جمله وزیر خارجه ایران را برای امضای توافق احیای برجام انتظار می‌کشیدند، صاحبان تئوری‌های توهم در عرصه سیاست خارجی با ادعاهایی همچون «زمستان سخت» اروپا در پی عدم صادرات گاز روسیه به این قاره، یا به عرصه گذشته و به یکباره، موضوعی را در توافق گنجانند که پایه اولیه بن‌بست در مذاکرات را علم کرد.

پهپادهای ایرانی ارتش روسیه

با این حال، در فاصله زمانی مارس تا سپتامبر نیز مذاکرات جست‌وجویافته‌ای میان تهران و هماهنگ‌کننده برجام در جریان بود تا آنکه یک خبر و یک واقعه، دقیقاً همان بزنگاهی را سبب شد که ۴ عضو مهم توافق هسته‌ای دیگر حاضر به تبادل پیام نیز در خصوص برجام نبودند. اروپا جنگ در اوکراین را مهمترین چالش نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم، تهدیدی ذاتی علیه امنیت خود و ارائه هرگونه کمک به روسیه در این مسیر را خط قرمز عنوان کرده بود و این در حالی بود که از زمان آغاز تهاجم نظامی روسیه، اخباری مبنی بر کمک تسلیحاتی ایران به این کشور در رسانه‌ها مطرح شده بود. در اواسط سپتامبر ۲۰۲۲ نیز وزارت دفاع اوکراین تصاویری را در تویتر همراه با پرچم ایران و روسیه منتشر کرد که نشان می‌داد قطعات پهپاد ایرانی شاهد ۱۳۶ را در منطقه خارکف کشف کرده است. در متن نوشته شده بود: «اتحاد کامل دو مستبد». پس از آن ولودیمیر زلنسکی در پیامی مدعی شد که بخشی از پهپادهای مهاجم در جنگ اوکراین، پهپادهای شاهد ۱۳۶ ساخت ایران هستند.

پس از دو ماه اصرار اوکراین و غرب و انکار تهران، حسین امیرعبداللهیان در جمع خبرنگاران فروش پیادهای ساخت ایران را به روسیه تأیید کرد. وزیر امور خارجه گفت: «مناسبات ما با روسیه بر مبنای همسایگی و منافع متقابل است. این هیاهویی که برخی از کشورهای غربی به راه انداخته‌اند که ایران برای کمک به جنگ اوکراین موشک و پهپاد در اختیار روسیه قرار داده است، بخش موشک آن کاملاً غلط است و بخش پهپاد آن درست است. مقدار معدودی پهپاد ماه‌ها قبل از جنگ اوکراین در اختیار روسیه قرار دادیم. با وزیر خارجه اوکراین توافق کردیم چنانچه هرگونه مستندی در اختیار دارند که روسیه از پهپاد ایرانی در جنگ اوکراین استفاده کرده در اختیار ما قرار دهد.» وزیر امور خارجه وقت ایران افزود: «البته اگر برای ما ثابت شود روسیه از پهپاد ایرانی در جنگ علیه اوکراین استفاده کرده، ما نسبت به این مسئله بی‌تفاوت نخواهیم بود. موضع ما در خصوص جنگ اوکراین به توقف جنگ، بازگشت طرفین به مذاکره و بازگشت آوارگان به منازل‌شان است و در این مسیر جمهوری اسلامی تلاش‌های زیادی را از ابتدای جنگ اوکراین داشته و این تلاش‌ها هم در

همان است که به «مجاهدین‌شنیه» معروف شده‌اند و حتی در انتخابات اخیر، چندان نقش مؤثری نداشته‌اند و بیش از دریافت احکام ستادهای انتخاباتی و یا گرفتن عکس‌های یادگاری، نقشی بازی نکرده‌اند. بسیاری از این نیروها متأثر از راهبردی هستند که اصولاً در ابتدا مخالف حمایت از نامزدی پزشکیان بودند و با راهبرد روزنه‌گشاییانه‌ای هم که پزشکیان بر مبنای آن به مجلس دوازدهم راه یافت و در ادامه به ریاست‌جمهوری رسید، تعارض داشتند و اکنون هم، به نظر می‌رسد در پی دامن زدن مطالبات و فراموش کردن سریع واقعات و مناسبات موجود در ساختار سیاسی هستند. آنها تصور می‌کنند پیروزی پزشکیان اتفاقی ساده و تنها متکی و میمتنی بر خواست و اراده اصلاح‌طلبان بوده است و اینکه، به‌سادگی می‌توان دولت را صرفاً با نیروهای همسو جدید و معادلات کلان راندید. از سوی دیگر، برخی از چهره‌های مؤثر کمپین انتخاباتی پزشکیان که تمام‌قد در این انتخابات به میدان آمدند و از نظر مبنایی و راهبردی، از نظر به‌پردازان و پیش‌برندگان راهی محسوب می‌شوند که اکنون در پاسنور گشوده شده است؛ مسیر و موضع «استغنا» در پیش گرفته‌اند و خواسته یا ناخواسته، دولت جدید

را تضعیف می‌کنند. محمدجواد ظریف، محمدجواد آذری جهرمی و محمد فاضلی شاخص‌ترین این چهره‌ها هستند که رسماً از عدم حضور خود در دولت پزشکیان گفته‌اند. مشخص نیست دلیل تصمیم این چهره‌ها، خواست شخصی خود آنهاست و یا آنکه با مشاهده فضای حاکم بر دولت جدید، کناره گرفتن و حاشیه‌نشستن را ارجح دانسته‌اند. اگر این تصمیم، شخصی باشد که آشکارا غیرمسئولانه است، چراکه در این حاشیه‌گزینی و دوری از قدرت، فضیلتی نیست. رویکردی است مشابه موضع کسانی که پای صندوق نیامدند با این استدلال که دست‌های‌شان از آلودگی خون یا بیعت یا تبعیت، پاک بماند. همان‌گونه که رای ندادن در این انتخابات تصمیمی فردی اما با پیامدها و خطرات ملی بود؛ کناره گرفتن چهره‌های مؤثر (مخصوصاً این سه) گرچه ظاهراً تصمیمی شخصی است، اما می‌تواند آثار و پیامدهای منفی ملی و اجتماعی به همراه داشته باشد. چراکه این چهره‌ها از مهمترین نیروهای کمپین انتخاباتی پزشکیان بوده‌اند که هر یک نماد و نماینده یکی از شعارها و اهداف دولت جدید شناخته می‌شوند. ظریف، نماینده رویکرد تنش‌زدایی خارجی و احیای برجام؛

آذری جهرمی، نماد کاهش فیلترینگ، توسعه اینترنت و توجه به نسل نو (زد)؛ فاضلی، نماد به‌کارگیری نخبگان و دانشگاهیانی است که در این سال‌ها با پرونده‌سازی و اخراج و تعلیق مواجه شده‌اند. به عبارت دیگر، کنار رفتن این سه چهره (و چهره‌های مؤثر دیگر حامی پزشکیان)، تنها کناره‌گیری سه شخصیت سیاسی و علمی و اجرایی نیست؛ بلکه به مخاطب و جامعه رای‌دهنده این گونه القا می‌شود و پیام می‌دهد که پزشکیان در همین ابتدای کار، سه پروژه اصلی و اساسی خود را کنار گذاشته است و با دست‌کم، از توانمندترین و مؤثرترین نیروهای خود برای پیشبرد آن سود نخواهد جست. اگر هم دلیل کناره گرفتن این چهره‌ها، فضای شکل‌گرفته حول پزشکیان باشد که قطعاً باید در رویه موجود تجدینظر کرد و اندیشید که چرا و چگونه روندی شکل گرفته که ستارگان کمپین پیروز ۱۴۰۳، رفتن را بر ماندن و فرار را بر فرار ترجیح داده‌اند. هرکدام از این دو احتمال باشد؛ رویه موجود تردینداز و نگران‌کننده است. باید هرچه سریع‌تر کاری کرد و دولت جدید را از دو تهدید درونی نجات داد؛ چه سهم خواهان جویای بیغنا و چه کناره‌گیرندگان و اهل استغنا.